

Khaje Nizam al-Mulk Tusi

ابوالحسن علی بن اسحاق بن عباس طوسی، مقلب به «سیدالوزراء و قوام‌الدین» و مشهور به خواجه نظام‌الملک طوسی، دانشمند و نویسنده قرن پنجم هجری قمری و وزیر نامدار دوره سلجوقی است. وی در روز جمعه ۲۱ ذی‌القعدة ۴۰۸ ق در شهر نوقان طوس خراسان (بخشی از مشهد فعلی) دیده به جهان گشود. از آنجا که دانش‌اندوزی‌اش در شهر طوس (توس) بود، طوسی خوانده می‌شد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۲۵۷۱)

خواجه نظام‌الملک به کمک پدر به آموختن قرآن پرداخت و در یازده سالگی حافظ قرآن شد (همدانی، ۱۳۷۲: ۱۰۹). وی در همان سنین و در شهرهای طوس و نیشابور به تحصیل علوم پرداخت و در این خلال، برای تحصیل دانش به مرو سفر کرد و در میهنه با ابوسعید ابوالخیر ملاقات داشت و تأثیر این دیدار، ارادت او را تا پایان عمر نسبت به این عارف و صوفی بزرگ بر عمق وجودش باقی گذاشت و همواره صوفیان را مورد احترام و تکریم قرار می‌داد (میهنی، ۱۳۸۸: ۱۷۸). سپس به غزنه رفت و در خدمت ابوعلی ابن‌شاذان وزیر آلپارسلان در مقام دبیری خدمت کرد. هنگامی که خواجه ۳۲ سال داشت، آلپارسلان او را به سمت وزیری خویش برگزید و تمام کارهای مملکتی را به وی سپرد. او در عهد وزارت خود که حدود سی سال به طول انجامید، خدمات فرهنگی بسیار عظیمی را انجام داد که تا آن موقع در تاریخ سابقه نداشته است.

وی علاوه بر ساختن نظامیه‌ها، خدمات فراوانی همچون ساختن آب‌انبار، گرمابه، بازار و بیمارستان‌ها را به جهانیان عرضه کرد و قرن پنجم هجری قمری را مبدل به شکوفاترین قرون فرهنگی اسلام ساخت. مرگ وی گویا به دست یکی از فدائیان اسماعیلی صورت پذیرفته است و در بنای

دارالبطیخ در محله احمدآباد اصفهان و در کوچه‌ای به نام خواجه نظام‌الملک مدفون گشت. در زمان وزارت خواجه، سلجوقیان به اوج عظمت و قدرت رسیدند و امور کشوری و لشگری به نظم کم‌مانندی دست یافت. در واقع این نظم و عظمت، علاوه بر اینکه مرهون عمل سیاسی خواجه در طی وزارت او بود، بر سیاست عملی وی نیز تکیه دارد که در کتاب ارزشمند سیاست‌نامه خویش به آن اشاره کرده است (قادری، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

آثار و تألیفات خواجه نظام‌الملک

مشهورترین اثر خواجه سیاست‌نامه یا سیرالملوک است که کتابی است منثور در زمینه آداب و آیین کشورداری و سیرت پادشاهان و بزرگان که در اواخر قرن پنجم هجری قمری تألیف شده است و مؤلف آن، به منزله نخستین نماینده بزرگ سیاست‌نامه‌نویسی در دوران اسلامی به‌شمار می‌رود. نظام‌الملک فیلسوف سیاسی نبود و مانند افلاطون و ارسطو و فارابی و ابن‌سینا و عامری فقط اصول نظری سیاست را بیان نکرد؛ بلکه اندیشه‌های او در سیاست‌نامه، مأخوذ از تجربه‌های عملی خود او در سیاست و نیز برخی از اصول سیاست و حکومت اسلامی (به‌ویژه بر پایه فقه شافعی و اصول عقاید اشعری) بوده است. سیاست‌نامه یا سیرالملوک ابتدا در ۳۱ فصل تنظیم شد و سپس خواجه در اواخر عمر خویش، یازده فصل دیگر به آن افزود و در مجموع این اثر دارای ۵۰ فصل دارد (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۶۹). سیاست‌نامه از نظر محتوا، موارد زیر را دربر می‌گیرد: ۱. پند و اندرزهای موجز و راهگشا که به‌طور معمول در ابتدای فصول آورده شده است؛ ۲. حکایات کوتاه، که بیشتر درباره شاهان ایران باستان و نیز برخی خلفای دوره اسلامی و همچنین برخی سلاطین غزنوی، سلجوقی و نیز سامانی است؛ ۳. روایات تاریخی، به ویژه در رد ملاحده (اسماعیلیه) و در برخی منابع پیروان حسن صباح) آورده شده است که البته گاهی از واقعیت دور می‌شود و اشتباهات تاریخی نیز

دارد (نظام الملک طوسی، ۱۴:۱۳۷۱).

از دیگر کتاب های وی می توان به وصایانامه یا وصایای خواجه نظام الملک و سفرنامه اشاره کرد. کتاب وصایانامه منسوب به خواجه است که در ظاهر در اواسط قرن نهم هجری قمری تألیف شده است و مؤلف کتاب مدعی است که آن را خود خواجه به منزله وصیت و نصیحت برای فرزند خود فخرالملک نوشته است که در صحت این موضوع مورخان تردید دارند (مینوی، ۱۳۵۱: ۲۳).

دیدگاه ها

خواجه نظام الملک با اتخاذ اندیشه سیاسی ایران شهری، مبحث شاه آرمانی را مطرح کرد که توانمند، وفادار به آیین و رسوم بود و فره ایزدی داشت و از سوی دیگر بنابه داشتن تفکر اشعری، تقدیرگرایی را نیز به آن اضافه کرد (رستموندی، ۱۳۸۸: ۴) و به تلازم دین و دولت اعتقاد داشت. «ایزد تعالی در هر عصری و روزگاری یکی را از میان خلق برگزیند و او را به هنرهای پادشاهانه و ستوده آراسته گرداند و مصالح جهان و آرام بندگان بدو باز بندد و در فتنه و آشوب و فساد را بدو بسته گرداند و حشمت و هیبت او اندر دلها و چشم خلایق بگستراند تا مردمان اندر عدل او روزگار می گذارند و ایمن همی باشند و بقای دولت او همی خواهند» (نظام الملک، ۱۳۶۹: ۸۶).

به طور کلی، مفهوم پادشاه و برقراری حکومت سلطنتی مقتدر، محور اساسی مباحث سیاست نامه است. از سوی دیگر سیاست هم سازگری مذهبی و یک سو به نگرانی فکری از طریق مدارس نظامیه، واقع بینی سیاسی و پرهیز از آرمان گرایی و حضور در سیاست عملی و همچنین مخالفت با حضور زنان در فعالیت های سیاسی از ویژگی های اندیشه خواجه نظام الملک به شمار می رود.

خواجه نظام الملک به همان اندازه که در طول ۳۰ سال وزارت خود در راه اعتلا و پیشرفت سلسله سلجوقی کوشید

در دوام و بقای خلافت عباسی نیز سهمی بسزا داشت و به دلیل تعصب مذهبی اعتبار از دست رفته خلیفه عباسی را احیاء کرد و پیوسته کوشید تا بین شاهان سلجوقی و خلفای عباسی معاصر خود روابط حسنه برقرار کند (کسائی، ۱۳۵۸: ۴۸).

مدارس نظامیه

مهم ترین رهاورد خواجه نظام الملک در عرصه تعلیم و تربیت تأسیس مدارس نظامیه بود. گرچه در جهان اسلام وجود مدارس قبل از نظامیه ها بی سابقه نبود ولی به دلیل نوع آموزش، مدیریت، فضای آموزشی و معماری و ... منحصر به فرد به حساب می آمد.

خواجه با تأسیس مدارس نظامیه در شهرهای گوناگون برآن بود تا بدیل نهادهای آموزشی در اسپانیای اموی و مصر فاطمی را ایجاد کند. البته از نظر برخی اندیشمندان، وی اهداف دیگری را نیز دنبال می کرد، از جمله آنکه تعقل را با پشتیبانی دولت در شرق جهان اسلام تقویت کند و همچنین با نظارت خود از طریق این مدارس دیدگاه فکری و مذهبی شافعی را توسعه و گسترش دهد (Bosworth, ۱۹۹۵: ۱۴۶).

مدارس و مراکز علمی که به فرمان خواجه ایجاد شد، در ظاهر بر دو گونه بوده است: یکی مراکزی که در حکم مدارس ابتدایی و متوسطه این دوره بود و به طور عمومی در شهرهای کوچک و روستاهای پر جمعیت تأسیس شده بود؛ دیگری مدارس بزرگی که به منزله دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی بودند و با امکانات وسیع و تشکیلات گسترده تری تأسیس و به سبب انتساب به نظام الملک، بانام نظامیه معروف شدند. آنچه در این زمینه، قابل توجه است تأسیس ۷۰ مدرسه در طول یک سال از سوی خواجه است.

در منابع موثق به ۹ نظامیه در شهرهای بغداد، نیشابور، اصفهان، بلخ، بصره، مروشاهجان، آمل، هرات و موصل اشاره شده است. البته کانپوری به مدرسه نظامیه خوزستان و

اوقات معین و با تشریفات خاص برگزار می‌شد. شیوه تدریس براساس روش القاء و وعظ انجام می‌گرفت و در آن مدرس لباس ویژه‌ای به نام «طرحه» بر تن می‌کرد و با جلوس بر کرسی مدرسی، تدریس می‌کرد و در هنگام تدریس دو معید گفته‌های او را برای طلاب تکرار می‌کردند (کانپوری، ۱۳۵۰: ۱۴۳). ایجاد کتابخانه‌هایی در کنار مدارس نظامیه از دیگر رهاوردهای خواجه در عرصه علمی به حساب می‌آید. در واقع کتابخانه‌ها بخش جدایی‌ناپذیر مدارس به حساب می‌آمدند.

تأثیرات مدارس نظامیه

تأسیس مدارس نظامیه، آغاز نهضتی چشمگیر در گسترش دامنه مدارس اسلامی شد و بسیاری از بزرگان علمی و سیاسی را بر آن داشت که با تأسی از روش خواجه نظام الملک به تأسیس مراکزی از این نوع مبادرت کنند. مدارس نظامیه با تمام ویژگی‌هایش و برخلاف نتایج مطلوب و مثبتی که داشت، تأثیراتی سوء و نامطلوبی نیز برجای گذاشت که بیشتر از تعصبات مذهبی مؤسس آن ناشی شده بود.

مجالس وعظ نظامیه‌ها که اغلب به منظور ابطال و نفی عقاید مخالفان برپا می‌شد بهترین عامل تشدید مشاجرات و مناقشات مذهبی بود. در نتیجه طرف‌داری بی‌چون و چرای خواجه نظام الملک از مذهب شافعی نه تنها رسمیت و وحدت آن را در ممالک اسلامی ممکن نساخت، بلکه پیروان سایر مذاهب و ارباب سیاست را به تعصب و طرف‌داری از مذهب معتقد خود ترغیب و تشجیع کرد. در زمینه‌های علمی هم توجه مدارس نظامیه تنها بر علوم و معارف مذهبی محدود بوده است. فلسفه و سایر علوم عقلی در مدارس نظامیه تدریس نمی‌شد. در این مدارس از تدریس استادانی چون خیّام، امام فخر رازی و جرجانی که سرآمد مشاهیر فلسفه و ریاضی این دوره بودند، خبری نیست. درحالی‌که

طوس اشاراتی دارد (کانپوری، ۱۳۵۰). قابل ذکر است که در تعداد و شهرهایی که نظامیه داشتند اختلاف نظرهایی وجود دارد. اما آنچه همه بدان اذعان دارند، معروفیت و عظمت نظامیه بغداد نسبت به سایر نظامیه‌هاست. خواجه برای تأمین مخارج و هزینه‌های مدارس و احداث و بنای آنها، دو منبع مالی در نظر گرفته بود: یکی اموال شخصی و اموالی که از سوی سلطان به شخص او اختصاص داده شده بود و دیگری، موقوفاتی که بر این مدارس وقف کرده بود. زبان رسمی تعلیم و تربیت در مدارس نظامیه، همان زبان عربی، یعنی زبان دینی و علمی در تمام بلاد اسلامی بود. به دلیل توجه خاص خواجه به ویژگی‌های مدرسان در نظامیه‌ها و شرایط متعددی را در نظر گرفته بود که عبارت بودند از:

شرایط علمی

تنها کسانی می‌توانستند منصب والای مدرسی را احراز کنند که در عالی‌ترین مدارج علمی زمان خود قرار می‌گرفتند. خواجه نظام الملک خود نیز به جست‌وجو در احوال و دانش و سوابق دانشمندان می‌پرداخت و سعی می‌کرد برجسته‌ترین افراد را برای تدریس برگزیند (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۱۰۱).

شرایط اخلاقی

مدرسان نظامیه باید افرادی پاکدامن، زاهد و مورد اعتماد و احترام مردم و ارباب دولت می‌بودند.

شرایط مذهبی

مدرس نظامیه باید شافعی مذهب می‌بود. بنابراین بسیاری از دانشمندان به سبب شافعی نبودن، از تدریس در نظامیه محروم بودند و عده‌ای نیز که در هنگام خدمت از ظر مذهبی مورد سوءظن قرار می‌گرفتند، از ادامه کار منع می‌شدند.

به گزارش ابن جوزی شرط داشتن مذهب شافعی برای تدریس در راستای سیاست نظام الملک برای ایجاد وحدت مذهبی و تقویت مذهب شافعی بود که گاه سبب می‌شد تا فردی برای رسیدن به مقام استادی و مدرسی مدارس نظامیه، به مذهب شافعی روی آورد (کسایبی، ۱۳۵۸: ۶۷). تدریس در

Bosworth, C. E. Saldjükes (۱۹۹۵) The Encyclopedia of Islam, (New Edition) Edited by C. E. Bosworth; E. Van Donzel, W. P. Heinrich and G. Lecomte, Vol. VIII, Leiden: E.J. Brill.

امام محمد غزالی نگارنده کتاب تهافت الفلاسفه و ابن غیلان مؤلف اثر حدوث العالم که در آن به عقاید ابن سینا تاخسته بود، هر دو از مدرّسان نظامیه‌ها بودند (کسائی، ۱۳۵۸: ۱۹).

نویسنده: بهبود یاری قلی

کتاب‌شناسی

ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم شیبانی (۱۳۶۸). تاریخ کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه علی هاشمی حایری و ابوالقاسم حالت. تهران: علمی. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.

رستموندی، تقی (۱۳۸۸). اندیشه ایرانشهری. تهران: امیرکبیر.

فضل‌الله همدانی، رشیدالدین (۱۳۶۲). جامع التواریخ. به کوشش احمد آتش. تهران: دنیای کتاب.

قادری، حاتم (۱۳۹۲). اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

کانپوری، عبدالرزاق (۱۳۵۰). زندگانی خواجه بزرگ حسن نظام‌الملک، ترجمه مصطفی طباطبائی. تهران: هور.

کسائی، نورالله (۱۳۵۸). مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: دانشگاه تهران.

مینوی، مجتبی (۱۳۵۱). باطنیه اسماعیلیه. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.

میهنی، سعیدبن طاهر بن ابی‌سعید (۱۳۸۸). اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی‌سعید. به تصحیح تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، ج ۸. تهران: انتشارات آگاه.

نظام‌الملک طوسی، حسن‌بن علی ابن اسحق (۱۳۷۱). سیاست نامه، به کوشش جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.

نظام‌الملک طوسی، حسن‌بن علی ابن اسحق (۱۳۶۹). سیاست نامه، به کوشش عباس اقبال. تهران: اساطیر.